

بہ نام خدا

ان

اعتدلت راسه معصومين عليهم السلام

(جد اول)

مشمول بر حاد

تالیف و کردآوری:

مسلم مرادی

(کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث)

مدیر تولید و ناظر چاپ: حسین رعدهشندی

ویراستار علمی: -

حروفچینی و صفحه‌آرایی: همتا بیداریان

طراحی جلد: همتا بیداریان

اَئمه «اعتقادات و سیره معصومین علیهم‌السلام» (جلد اول)

تألیف و گردآوری: مسلم مرادی (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث)

ناشر: انتشارات آتی‌نگر

چاپ اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۳۱-۱۵-۷

ISBN: 978-600-7631-15-7

حق چاپ برای انتشارات آتی‌نگر محفوظ است.

نشانی دفتر فروش: خیابان جمالزاده جنوبی، روبه‌روی کوچه رشته، پلاک ۱۴۴، واحد ۲

نمابر: ۶۶۵۶۵۳۳۷

تلفن: ۶۶۵۶۵۳۳۶-۸



www.ati-negar.com * info@ati-negar.com

مرادی، مسلم، ۱۳۵۸-

اَئمه «اعتقادات و سیره معصومین علیهم‌السلام» (جلد اول) / تألیف و گردآوری: مسلم مرادی. - تهران: آتی‌نگر، ۱۳۹۵.

۴ ج. ۱۸۹ ص: مصور، جدول، نمودار.

ISBN: 978-600-7631-15-7

مندرجات: ج. ۱. ائمه اعتقادات و سیره معصومین علیهم‌السلام. -- ج. ۲. عقل اعتقادات و سیره معصومین علیهم‌السلام. -- ج. ۳. شعیب یکی از پیامبران الهی اعتقادات و سیره معصومین علیهم‌السلام. -- ج. ۴. مقاصد که با جمع‌آوری برخی رجال علمی و دانستنی‌های جالب ... فیبا.

موضوع: شیعه--عقاید Doctrines--Shia'h احادیث شیعه -- قرن ۱۴ Hadith (Shiites)--Texts--20th century ائمه اثنا عشر--Imams (Shiites)

BP۲۱۱/۵BP۲۱۱/۵

رده‌بندی کنگره

۲۹۷/۴۱۷۲

رده‌بندی دیویی

۴۲۵۸۷۷۶

شماره کتابشناسی ملی

مقدمه

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی رسولہ و علی آلہ المعصومین الذین اذنب الله عنهم الرجس اهل البیت و طهرتم تطهیرا

این کتاب در چند جلد پیرامون اعتقادات و سیره معصومین سخن رفته است. با مطالعه به همه ابعاد آن، هوشیاری بیشتر به نواندگان گرامی در زمینه عقائد دینی و اطلاع مرام اوصاف حمیده اهل بین معصومین پدید می آید.

اینجانب آنچه در کتاب مذکور تحریر نمودم فراگیری از آیات الهی و احادیث ائمه علیهم السلام است و تا حد بلوغ سعی نمودم تا در نوازش بر آیات مشکوک خودداری کنم. خداوند را سپاس که حقیر را در نگارش این کتاب با ارزش توانایی بخشید.

لازم به ذکر است که برخی آیات و بهاره روایات نیازمند توضیح است و نگارنده با مدد و الهامات الهی متوجه برگزیدن رفع گره شده و در ترجمه، خوانند را از معضل آن آگاه نمودم.

نظر به اینکه بعضی از آیات و روایات به لحاظ روایی ترجمه نشده است خواهشمندم چنانچه خواهان ترجمه فارسی آن می باشید در نماز جماعت که شرکت می فرمایید آن را به امام جکاعت محترم ارائه دهید تا ترجمه کنند و احتمالاً غلطهای املائی را رفع فرمایند.

امید است با کمک خیرین در چاپ بعدی کتاب غلطهای وارد شده برطرف و تصحیحات لازم وارد شده و مهم تر از آن ویرایش کتاب است.

حالات مولی امیر المؤمنین علیه افضل صلوات المصلین

نام پدر ایشان عمران و معروف به ابوطالب فرزند عبدالمطلب و مادرشان فاطمه بنت اسد و نام وی علی است چندین لقب دارد از جمله مرتضی، حیدر، اسدالله، و کنیه اش ابوالحسن است. اهل تسنن بیشتر او را ابوتراب میگویند.

تولدش را سیزدهم ماه رجب و در داخل کعبه معظمه اتفاق افتاد چرا که مادر قبل از حمل، به طواف کعبه مشغول بود و درد مخاض آنجا شروع شد به طوری که فرصت بیرون آمدن از مسجدالحرام را نداشت. در حال اضطرار، رجب شد که دیوار کعبه شکافته شده و می تواند به داخل کعبه وارد شود.

فاطمه بنت اسد هم در آن زمان رفت و سه روز آنجا میماند خدا بود؛ پس از بیرون آمدن، روی دستش نوزاد پسر بود و پیش از همه ابوطالب او را در آغوش گرفت. سپس به دست حضرت محمدصلی الله علیه وآله رسید و علی به صورت پسر که سال به مقام نبوتش مانده بود می نگریست.

از صلابت علی -ع- تعریف کرده اند که در سن ۴ الگی با برادرش عقیل کشتی گرفت و او را بر زمین زد و مایه تعجب همگان گردید عقیل طبق نقل تاریخ، بیست سال از علی بزرگتر بود. زمانی به درد چشم مبتلا شد و مادرش که خواست دارو بچشم او بریزد، نپذیرفت و گفت دارو دردآور است، اگر ابتدا به چشم علی بریز که معلوم گردد درد کمی دارد من میپذیرم! علی -ع- از نظر عیال خود خیر می دهد که مادرش دارو به چشم من ریخت -در حالی که چشمان علی سالم بود- و سپس به چشم عقیل ریخت.

علی -ع- در دوران کودکی از لحاظ جسمی قوی بود بدن جلدۀ یوسفی داشت و گردن وی فربه بود.

ابوطالب دومین فرزند عبدالمطلب بعد از پدر عده دار کعبه شد و حرم دار خانه خدا بود لذا در میان قوم شخصی معنوی و محترم بشمار میآمد گرچه از جهت مالی بضاعتی نداشت گفته اند وی برای اداره زندگی خود ناگزیر بر اینکه بعضی پسران را بخانه اقوام خود بپارد از جمله علی در خانه پیامبر پرورش یافت و از سجایای اخلاقی پیامبر بهره فراوانی گرفت علی به سن ده سالگی بود که محمد -ص- از جانب خداوند مبعوث شد، و اوّل فردی بود که رسالت ایشان را پذیرفت و ایمان آورد. از آن پس همچنان در معیت پیامبر و بازوی پرتوان برای رسول خدا به حساب میآمد خصوصاً در شیع ابی طالب، علی بیش از دیگران زحمت فراوانی کشید و رنج بیشماری دید تا آن دوران تلخ سه ساله به پایان رسید.

از ابتداء رسالت، علی نماز خود را پشت سر پیامبر و خدیجه پشت سر علی قرار می‌گرفت و نمازشان را با پیامبر برگزار می‌کردند. مشرکین از این منظره تعجب می‌کردند.

در نهج البلاغه خطبه ۱۳۱ می‌فرماید: اللَّهُمَّ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ أَنْابَ وَ سَمِعَ وَ اجَابَ لَمْ يَسِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ بِالصَّلَاةِ يَعْنِي خَدَايَا مَنْ أَوَّلَ كَسَ بُوْدَمَ كَهْ بَه تُو دَل دَاوَه وَ اَمَرَت رَا شَنِيدَه وَ يَاسَخْ كُفْتَم؛ احدى غير رسول خدا در نماز بر من پيشی نگرفت.

بعد از سه سال دعوت پیامبر آشکار شد و در یک مجلس عمومی مردم را به اسلام دعوت فرمود و تنها علی یک نبود و شایسته مقام خلافت گردید به ویژه اینکه در جنگ با دشمنان اسلام علی بن ابیطالب یکه تاز من بود.

بفرموده ام صادق (ع): «بخدا هیچگاه علی تا پایان عمر مال حرام نخورد؛ و وقتی دو امر الهی بر او عرضه میشد آن را که سنت تر بود میپذیرفت و کار رسول خدا را کسی غیر او طاقت انجام آن را نداشت»

علی توکلش بخدا زیاد بود و کسی مدد از پیامبر نبود که اینگونه بخدا توکل کند لذا خود در همه معرکه‌ها حاضر می‌شد و ترس از کشته شدن بدل راه نمی‌داد؛ بخدا توکل می‌کرد و لو بلغ ما بلغ. یعنی هر چه پیش‌آید و لو شهادت در راه او باشد خوش آید.

در سال دوم هجرت با فاطمه دختر رسول خدا رده ای کرد و ثمره این ازدواج که ۹ سال به طول انجامید چهار فرزند دو پسر به نام حسن و حسین و سپس دو دختر به نام زینب و ام کلثوم بود. فرزند دیگری به نام محسن در راه داشت که به خاطر ضربه درب خانه از سرش عم سقط شد و فاطمه بعد از آن مریض گردید و بفاصله اندکی دار فانی را وداع نمود.

فاطمه (ع) - با علی (ع) - در زندگی به قدری هماهنگ بود که نظیرش در دنیا پیدا نمی‌شود و همین سبب شد که علی بهر کار خیری دست بزند از جمله بخشش اموال خود بفقراء و حضور در همه جبهه‌های جنگ! هرگز این همسر با وفا و بی نظیر مانع کارهای علی نشد. جان و مال و فرزندانم و پدر و مادرم بقریان بانوی بزرگواری باد که همیشه یاد او مرا متقلب میسازد و از مظلومیت او دل‌ها را آزرده می‌کند!

هستم زره زره آید شده درج غم از غم کباب شده بعد او گوشه گیر خانه شدم
 مرغ بخت به بال لانه شدم لرزه افکاره سخت بر جانم داغ زهره شکت از کانه
 روزم از بیکس سیاه شده حاصل عمر من تباه شده پیش چشم گل مرا چیدید
 گریه باغبان گل دیدید آنچه ناگفتنیست بپراست اول وصل و آخر کمر است
 تنم غم های من سرگشته بعد من نوبت قمر گشته وقت پرواز گشته می دانم

نا تمام است آنچه می خوانم (بعد من این خانه تاریک می شود با رفتن زهره نور از خانه رفت) آنچه
 سبب شد علی فداکاری بسا برای پیشرفت اسلام داشته باشد توکل او بخداوند بود و آنچه سبب توکل او
 بخدا بود، شناختی که از خدا داشت و معرفت الهی او بحدی بود که پیامبر فرمود: یا علی کسی باندازه من
 و تو خدا را نشناخته است و کسی را انبیر از خدا و تو نشناخته و کسی تو را غیر از خدا و من نشناخته
 است.

البته در توان کسی نیست که شناخت واقعی خدا را داشته باشد (تفسیر نمونه ج ۵ ص ۲۴۱ آمده
 است؛ شک نیست که معرفت کنه ذات خدا و کتب با او برای هیچکس ممکن نیست) ولی آن دو
 بزرگوار که همه جا در امر دین باهم بودند تا آنجا که علی - ع در نفس و جان پیغمبر هم تراز گردید
 و بمنزله نفس او بشمار آمد، در خدا شناسی نسبت به همه مردم ممتاز بود شکی نیست که ایمان آوردندگان
 بخدا بقدر ظرفیت خود خدا را میشناسند و ظرفیتهای متفاوت است بعضی بیشتر و برخی کمتر.

اما اینکه در حدیث از پیامبر اکرم نقل است «من عرف نفسه فقد عرف ربه» هر کس خود را شناخت
 خدای خود را شناخته است؛ دلالتی ندارد بگوئیم پس کسیکه خود را نشناخت خدا را نمیشناسد؛ زیرا
 بنده (نویسنده) خدای را بحد ظرفیتی که دارم در واقع او را میشناسم و به او معتقد میدانم او به بندگان
 رؤف و رحیم است قادر و حیّ لم یزل است در حالی که از خودم شناخت کامل ندارم یعنی نمیدانم آنچه
 بدان رسیده ام انجامش میدهم یا نه! در وجود خود احساس شجاعت می کنم و آماده ام در صورت نیاز از خود
 فداکاری نشان دهم، ولی اطمینان ندارم که در موقع عمل، از عهده آن برایم سخاوت را چیزی خوبی میدانم
 گاهی که بوضعیت اسفبار بیچارگان فکر می کنم، در بذل و بخشش دریغ ندارم ولی خود را نشناخته ام که در
 عمل، آیا گذشت و چشم پوشی از مال در من وجود دارد یا نه؟! در حالی که خدا مرا خوب می شناسد که

چی هستم؛ این من هستم که خودم را نمی‌شناسم. درعین حال خدای خود را خوب می‌شناسم و قسم می‌خورم که

آنچه خداوند ما را امر کرده درانجام آن، به خیر و صلاح ما بوده است. (از حافظ):

پیر ما گفت خطا بر قلم صُحِ نرفت / آفرین بر نظریات خطا پوش بار

ولی علی علیه السلام خود را خوب شناخته بود و مرد عمل بود در وجود خود احساس سخاوت می‌کرد و رمواع آن دریغ ندارد. شجاعت داشت و مطمئن بود که درجه‌های تیرد بهمان مقدار که احساس می‌کند حل و اهد کرد ما چنین اطمینانی از خود نداریم.

و جانم بقرائنش ما را هم شناخته بود لذا می‌فرماید «الا و انکم لا تقدرون علی ذلک...» یعنی آگاه باشید شما و انانی یتقدار مثل من ندارید.

دریکی از عزای بی‌نگار شب، پیامبر آب طلب کرد. علی به سراغ آب رفت هوا به شدت تاریک بود و باد شدید میوزید مشک را همراه آورد ولی متوجه شد که دلوی وجود ندارد ناگزیر با مشک بدرون چاه رفت و آن را بر آب کرد و در مراجعت سه مرتبه بزمین نشست پیامبر از تأخیر او پرسش نمود عرض کرد باد سختی وزیدن گرفت و ناچار شده‌ام به نشیمن پیامبر تبسم کرد و فرمود آن باد جبرئیل و هزار ملک بود که بر تو سلام کردند. و در نوبت بعد میکائیل و هزار ملک و در نوبت سوم اسرافیل و هزار ملک بودند (۲)

یعنی یا علی فداکاری تو سبب شد که با وزیدن باد دره فراوانی از جانب فرشتگان الهی به تو فرستاده شود که اینگونه در امر خیر پایدار می‌باشی.

در مقابل روایت از جابر بن عبدالله است که عثمان برخلاف علی - و او نیز دیگر داماد پیامبر است، در حفر خندق اهمالگری می‌کرد؛ پیامبر متوجه شد و فرمود «احفر» حفرکن «فغضب عثمان و قال لا یرضی محمدٌ ان أسلمنا علی یده حتی أمرنا بالکد؛ فانزل الله علی نبیه: یمتّن علیک ان أسلموا» آیه ۱۷ سوره حجرات یعنی عثمان از امر به حفر کردن عصبانی شد و گفت محمد راضی نمی‌شود که به دست او اسلام اختیار کنیم تا اینکه ما را به

کار سخت و زحمت کشیدن دستور دهد؛ خداوند آیه نازل فرمود که بر تو منت میگذارند از اینکه

اسلام آورده اند!

اما آیات در مدح و ثناء علی بسیار است گرچه نامی از علی-ع- بکار نرفته ولی باعتراف شیعه و سنی در شأن نزول آن برای مولی علی اعتراف نمودند و ما به ۱۴ مورد اکتفا میکنیم ۱- «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» یعنی خداوند و رسول او، دوست و ولی امر شماست و همچنین کسیکه ایمان آورده و إقامة نماز می‌کند و زکوة می‌دهد و رکوع کننده است. به روایات متعدد در حدّ تواتر امیرالمؤمنین-ع- در حال رکوع بوده‌اند که انگشت خود را به سائل دادند و این آیه نازل شد. در تامل گفته‌اند ابوبکر ۲۵ مرتبه در نماز اینکار را کرد ولی آیه‌ای نازل نشد بلکه آیه «وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأُطْعِمْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» به وی و امثال او برمیگردد چرا که خدا بی‌فرما بداند آن میگویند بخدا و رسول ایمان آوردیم و اطاعت میکنیم سپس برمی گردند این چنین افراد از سائین نیستند. ۲- آیه تطهیر: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

یعنی اینست و غیر از این نیست که شما خواسته است پلیدی از شما اهل بیت بدور باشد و پاک و پاکیزه کند شما را.

منظور از اهل بیت، طبق روایات عدیده از شیعه و سنی، پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین است که هر پنج نفر در زیر عبا یا پیامبر قرار گرفتند آنگاه آیه شریفه تطهیر نازل شد حتّی‌ام السّلمه همراهم پیامبر تمایل به زیر رفتن عبا داشت و پیامبر فرمود اَنْتَ عَلِيٌّ خَيْرٌ تَوْ بَرٍّ وَ نَجَسٍ مِیْرُوی و منع کردند او وارد این مقام شود.

برخلاف عقیده بعضی از علماء تسنّن که مدّعی بودند بر شمول زنان پیامبر چرا که برخلاف روایات رسیده است ضمن اینکه ضامناً در آیه، مذکر آمده است. آیه که دو فرزند علی-ع- را نیز در بردارد خود دلیلی بر شخصیت ممتاز امیرالمؤمنین علی علیه السّلام است.

۳- نازل شدن سوره مبارکه هل آتی که تمام سوره مربوط به مناقب علی و فاطمه و حسن و حسین-علیهم السّلام- است. از اشعار سعدی است:

کس را چه زور و زهره که مدح علی کند خَلَقَای در مدائح او گفت هل آتی

در این سوره از نعمتهای بهشتی ذکر شده است. راوی از امام صادق سؤال می‌کند که یکی از نعمتهای بهشتی، حورالعین است پس چرا در این سوره ذکر آن نیامده است؟ فرمود با احترام فاطمه -ع- خداوند نامی از او نبرده است.

۴- یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبونهم و یحبونهم اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم. ای کسانی که ایمان آوردید هر کس از شما از آئین خود بازگردد پس بزودی خداوند قومی را بجایش می‌فرستد که دوستشان دارد و آنان هم خدا دوست دارند نسبت به مؤمنین متواضع هستند و نسبت به کافرین غلظت و خشم دارند اینان در راه خدا جهاد میکنند و از ملامت مردم هیچ واهمه‌ای ندارند.

در روایات زیادتی از طرق شیعه و سنی وارد شده می‌خوانیم آیه در مورد علی -ع- در فتح خیبر نازل شده است و در جنگ با بنی نضیر و قاسطین و مارقین نیز علی -ع- مصداق واقعی این آیه شریفه است. در جنگ خیبر که افراد از دست بردار نبودند سر باز زدند پیامبر از علی سراغ گرفت ایشان چشم درد داشت و در مجلس حضور نداشت؛ فرمود فردا پرچم را به دست کسی می‌سیارم که خدا و پیامبر را دوست دارد، و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند. سریش مالمانال دیدند پیامبر -ص- پرچم را به دست علی -ع- داد و او مردانه و یک تنه قلعه خیبر را فتح نمود.

۵- قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عاده علم الکتاب یعنی بگو (به منکرین رسالت خود) شهادت خداوند (که در قرآن کراراً آمده است یا ایها الرسول یا ایها النبی) بین من و شما کفایت می‌کند و آن کسی که دارای علم کتاب است و منظور علی -ع- می‌باشد. ای علی اول کس بود که شهادت به رسالت نبی اکرم داد (شهادت علی نیز برای من کافی است).

آصف بن برخیا جانشین حضرت سلیمان، بخشی از علم کتاب در دست او داشت معذک قدرت عظیمی از خود برورز داد و آن اینکه تاج و تخت بلقیس را در یک چشم بهم زدن از یمن به شام آورد! اما علی -ع- همه علم کتاب در سینه اش بود او بزرگتر از این را می‌توانست انجام دهد ولی چون بمصلحت اسلام نبود ناگزیر از توسل به آن خوداری نمود و متوسل به صبر و بردباری شد.

۶- من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممن من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً. از دیگر تعاریفی است که خداوند برای علی -ع- فرموده و قضیه از این قرار است که چهار نفر از

مخلصین، با خدا عهد و پیمان بستند که در جنگ با مشرکین عقب گرد نکنند تا کشته یا پیروز شوند. سه نفر از آنان که بدرجه رفیعہ شہادت نائل گردیدند، جعفر طیار، زید بن حارثہ، عبد اللہ رواحہ؛ آیہ در مدح نفر چہارم یعنی علی علیہ السلام نازل گردید کہ او نیز منتظر شہادت است و از عهد خود برنگشته است. معنی آیہ چنین است: از مؤمنین مردانی هستند کہ در عهد خود با خدا راستگو بوده پس بعضی بآن مقصدی کہ داشتند رسیدند و برخی منتظرند و از عهد خود اعراض ننمودند.

همه مفسران شیعہ و بسیاری مفسرین سنی بر مصداق حقیقی آن بر حضرتش اعتراف دارند
۷- امام باقر -ع- در روایت صحیح کلمہ سیلاً در آیہ شریفہ یوم یُعْضُ الظَّالِمُ یدِیْہِ یَقُولُ یا لیتنی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سِیْلًا را بہند علیاً بیان فرمودہ است یعنی روزی کہ ستمگر دست خود را بدندان میگذرد و میگوید اخذ کردم، یم یا سیر، علی را!

بعبارت واضحتر اینکہ اسلامان پیش از قبول کردند ولی با علی قطع رابطہ نمودند، متوجہ عذاب الہی هستند کہ دامگیرشان خواهد شد و بدست کہ اگر علی را با پیامبر گرفته بودند، عذاب رفع می شد؛ آرزو می کنند کہ ای کاش نسبت بہ علی بیگناہ نہ شوم

کلام امام باقر -ع- بسیار پذیرفتنی است چرا کہ اگر سیلاً را بمعنی راہ بگیریم یعنی ای - کاش راہی بسوی پیامبر برای خود اتخاذ کردہ بودیم لازمہ آن این شکہ کہ ای ظالم کلمہ کافر گفتہ میشد مانند این آیہ: «یوم یقول الکافر یا لیتنی کنتُ تراباً». پس منظور از ظالم کسانیست کہ حق علی را ضایع کردند، و آنان کہ بہ ظالم رکون بخشیدند و از بازپس گرفتن حق علی -ع- امتناع نمودند.

۸- ابن عباس گفته است آیہ إِنَّ الدِّینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سِیْلًا لِّہِ الرَّحْمٰنُ وُدًّا یعنی همانا آنان کہ ایمان و عمل صالح دارند و بزدی خداوند در دلہایشان محبت قرار می دہد و منظور از محبت دوستی و حُبّ علی -ع- است بدین معنی کہ اگر کسی با ایمان باشد و عمل او صالح و درستکار بودہ، محبت و عشق علی در دل او ایجاد می گردد.

۹- عالم و مفسر بزرگ قرن سوم جناب علی بن ابرہیم قمی بسند خود از امام صادق روایت کردہ کہ فرمودند آیہ شریفہ حُبِّہِ الْیَکِیْمِ الْاِیْمَانِ وَ زَیْنِہِ فِی قُلُوبِکُمْ یعنی خداوند ایمان شما را محبوب خود میداند و منظور از ایمان علی بن ابیطالب است و دلہای شما زینت بخشیدہ است. نقطہ مقابل کہ بدون فاصلہ

خداوند بدنبال آیه می‌فرماید: وَكَرِهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ مَنْظُورٍ أَوَّلَى وَدَوْمَى وَسَوْمَى است که ازاین سه اکراه دارد

۱۰- إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ إِيَّاهُ يَقْرَعُ-ع- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ-ص-: فَعَلَى اللَّهِ وَآلِهِ خَيْرُ الْبَرِّ هُ فَرَمُودَن د پَس عَلَی بَخْدَا بَهْتَرِیْن اِبْرَارِ اسْت.

۱۱- وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا رَوَايَتُ اسْتِ كِه فَاطِمَةُ وَ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ- نَسَبٌ هَسْتَن د عَلَی-ع- صَهْرٌ وَ دَامَاد. اَیْنَكِه کَلِمَه مَاءَ بَجَای مَنی آمَدَه اسْت بَه لِحَاطِ احْتِرَامٍ وَ اخْصِیْصَتِ وَالْمَقَامِشَانِ اسْت. دِرْحَالِی کِه دِیْگَر جَای قُرْآن بَا کَلِمَه مَنی ذِکْر شَدَه اسْت آنْجَا کِه مَی فَرَمَا یَد «أَلَمْ يَكُ نَظْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِيٍّ» آيَا نَبُود (اَیْنَكِه خُود رَا گَم کَرْدَه اسْت) یَک نَظْفَه آي کِه اَز مَنی رَشَد نَمُودَه اسْت؛ بَرِ یَن مَبَایِث کِه طَبِیْق رَوَا یَت عَلَی-ع- مَی تَوَاسْت بَا جَنَابَتِ دَاخِلِ مَسْجِدِ النَّبِیِّ شُود وَ هَمِچُنِیْن حَسَنِیْن ع.

۱۲- وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ پَس اَز آنْکِه دِر وَقْتِ هِجْرَتِ پِیَا مِیْر بَه مَدِیْنَه، عَلَی بَجَایِ پِیَا مِیْر دَر بَیْتِ رُخْوَابِیْدِ اَیْنِ آيَه نَا زَلْ شَد کِه اَز مِیَا نِ مَرْدَم کِسی اسْت کِه بَرَایِ خُشْنُودِیِ خُدا جَانَش رَا مَی فَرُوشَد وَ دَاوَنْدَه بَنَایِ مَن مِهْرِیَا نِ اسْت. عَلَی-ع- نَفْسِ خُویْش رَا دِر طَبِیْقِ اخْلَاصِ گِذَاشْت کِه اِسْلَامِ وَ پِیَا مِیْر زَنْدَه بَمَانَدَ رِیْرَا مُشْرَکِیْن سُو گَنْدَ نَمُودَن کِه بَا طُلُوعِ صَبْحِ، بَخَانَه اَو یُورِش بَرْدَه وَ پِیَا مِیْر رَا بَه قَتْلِ رَسَانَدَن، عَلَی دَر بَرَابَرِ آنِ، مَشِیْرَقْدَ عِلْمِ کَرْد وَ فَرَمُودَ مَن اَز اَو خَبَرِی نِدَارَم. اَنَّا نِ بَدُونِ دِر گِیْرِیِ بَر گِشْتَن د عَلَی-ع- جَانِ سَالَمِ بَر دَر.

بِرَا سَتِی فِکْر کَرْدَه اَیْدِ دُو بَرَادَر کِه بَا جَانِ وَ دَلِ یَک دِیْگَر گِر رَسْتِ دَاشْتَه اَگَرِیْنَا شُود مَرْدَنِ یَکِیِ بَر دِیْگَرِیِ تَقَدَّمِ دَاشْتَه بَاشَد، هِیچِیْکِ حَاضِر نَمِی شُودَن زُود تَر اَز دِیْخَرِی، یَرَدِ گَر اَجْبَارِ بَاشَد. وَ اَگَرِ مِی بَیْتِیْمِ بَرَادَر بَه بَرَادَرِش کَلِیَه اِهْدَاءِ مِی کُنَد، چُون مِی دَانَدَ بَا دَا دَن یَکِ کَلِیَه، جَانَش اَز رَسْتِ نَمِی دِهَد. وَ لَی آيَا بَرَادَرِیِ کِه یَکِ کَلِیَه دَارَدِ آيَا حَاضِر مِی شُود کَلِیَه دِیْگَرِش رَا هَم فِدَا کُنَد؟! عَلَی-ع- خُوبِ مِی دَانَسْت کِه بَرَا یِ بَیْشَرَفَتِ اِسْلَامِ وَ-

اِسْتِحْکَامِ اَن، پِیَا مِیْر بَا یَدِ زَنْدَه بَمَانَدَ هَر چَنَد بَه قِیْمَتِ اَز دَسْتِ دَا دَن جَانِ خُود بُوْدَه بَاشَد.

۱۳- قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَکُمْ وَ نَسَائِنَا وَ نَسَائِکُمْ وَ اَنْفُسَنَا وَ اَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَی الْكَافِرِیْن. هَمِه مَفْسَّرِیْن شِیْعَه وَ سَنَیْ مَعْتَقَدَن د مَنْظُورِ اَز اَنْفُسَنَا شَخْصِ عَلَیِّ بِنِ اَبِیْطَالِبِ اسْت وَ دَر اَمْرِ

مباهله تنها چهار نفر با پیغمبر بودند: حسن و حسین و فاطمه و علی-ع- و ایشان در آیه مباهله، با کلمه اُنفسنا یاد شده است و این بالاترین تعبیر نسبت به کسی است که او را با تمام وجود با خود مرتبط می‌داند. در روایت است که امیرالمؤمنین خوابیده بودند امام حسن و امام حسین تقاضای آب کردند پیامبر به سراغ گوسفندی رفتند که کمی شیر درستانش بود ولی با معجزه حضرت ظرف شیر پُر شد و رسول خدا به حسن دادند فاطمه-ع- گفت شما حسن را بیشتر دوست دارید؟ فرمود او زود تر آب خواست. سپس فرمودند من و تو و این دو و آنکه خوابیده (علی) با هم وارد بهشت می‌شویم، یعنی فرقی بین ما و آل عبا نمی‌باشد. این حدیث و عاثر آن تأییدی است بر اینکه علی-ع- نفس پیامبر-ص- است

۱۴- أجمعنا سقايه الحاج عمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستوون عندالله (دره ربه ۱۹) دلالت بر شأن و مقام علی- علیه السلام دارد. به طرق مختلف آمده است که عباس عموی پیامبر حاجب خانه خدا را آب می‌داد، شعبه بن عثمان بن ابی طلحه که مسلمان دیگری بود، کلید دارحرم خانه خدا را رد می‌کرد و دیگر تهاخر کردند و از علی-ع- که در حال عبور بودند حقیقت را پرسجو نمودند حضرت فرمود: من پسرش را برتر دارم که شمارا با جهاد از قید بندگی بت رها کردم. عباس مطلب را با پیامبر در میان گذاشت و شریفه نازل شد که: آیا سقایه حاجی و عمارت مسجدالحرام مساوی با کسی است ایمان بخدا و روز قیام؟ دارد در راه خدا جهاد می‌کند. لایستوون عندالله در پیشگاه خداوند اینان با هم فرق دارند.

علی و نهج البلاغه

سید رضی علیه الرحمه که نامش محمد و برادر سید مرتضی است در قرن چهارم هجری بسیاری سخنان بلاغتی علی علیه السلام را جمع نموده و به صورت کتابی به نام نهج البلاغه در اختیار عموم گذاشته می‌گوید فصاحت و بلاغت کلام علی-ع- بیش از اینهاست و من آن‌ها را گلچین کردم هر کس این کتاب را بخواند بیشتر حقیقت علی را درک می‌کند. علی در مقام تعریف از خود نیست ولی به ناچار در لابلای گفته ها، خود را معرفی کرده آنجا که می‌گوید والله لا أكون كمنستم ألدن يسمع الناعى و يحضر الباكى ثم لا يعتبر یعنی والله نیستم مانند کسی که صدای سر و سینه کوبیدن و فریاد خیر دهند مرگ را بشنود و نیز دیده گریان را مشاهده کند ولی از آن عبرت نگیرد (خطبه ۱۴۸ نهج البلاغه)

رسول الله يقول لعليّ -ع-: مُحِبُّكَ مُحِبِّي وَ مَبْغُضُكَ مَبْغُضِي يَعْنِي كَسِيكُهُ تَوْرَا دوست داشته باشد، او دوستدار من محسوب می‌شود و کسیکه ترا خشمگین کند مورد خشم من خواهد بود (بحار ج ۲ ص ۱۵۴)

سؤال اینجاست که وقتی درب خانه علی را شکستند آیا می‌توان گفت علی-ع- غضبناک نشد.

وقتی جنین در رحم همسرش سقط شد، آیا علی غضبناک نشد؟! وقتی دست او را

بستند و همسرش را کتک زدند آیا علی غضبناک نشد؟ وقتی عمر، علی را در مسجد بزمین خواباند و شمشیر بالای سر او کشید که یا بیعت کن به ابی بکر، یا والله ترا خواهم کشت، علی از او غضبناک نشد؟ چه کسی و به چه سبب؟ ابی علی-ع- آزرده کردند تا سبب شود که پیامبر نیز از آنان آزرده و رویگردان شده، و چطور حسن و حسین را سبب آزردن و گریه کردند تا سبب شود پیامبر آنان را دوست داشته باشد. پس این احادیث که از فریقین نقل شده، من شک مُحِبِّ عَلِيٍّ، دوستدار پیامبر است و دشمن علی، دشمن پیامبر است.

فرمود-ع- دوست من کسی است که دوستان مرا دوست دارد و دشمن من کسی است که دشمن مرا دوست بدارد.

ابن عباس از رسول خدا-ص- نقل کرده است که فرمود لو اجتمع الناس على حبة علي بن ابي طالب، لما خلق الله النار اگر همه مردم محبت علی را داشتند خدا جهنم را خلق نمی‌کرد! این حدیث به کرات نقل شده و نیاز به سند آن نیست.

چرا سب علی-ع- از شام شروع شد؟

در زمان حکومت تنگین معاویه، سب علی در همه شهرهای اسلامی رائج شد و کسانی که به این عمل بی شرمانه گرفتار گردیده ناصبی شناخته شدند. از امام معصوم-ع- نقل است که حیوانی نجس تراز سگ نیست و ناصبی آنجس من الکلب یعنی ناصبی از سگ نجس تر است. امیرالمؤمنین (ع) پیش بینی این موضوع را کرده بود که انکم ستدعون إلی سبی یعنی طولی نخواهد کشید شمارا می‌خوانند که مرا دشنام دهید!

ابن عباس گوید دیدم عذّه‌ای جمعند و مشغول سب علی هستند!! به رئیس آن‌ها گفتم چه می‌گویند قال یسبون علیاً علی را سب میکنند! گفتم مرا به نزدیک آن‌ها برسانید پس چون نزدیک شدم گفتم شما

خدا را سبّ میکنید؟ گفتند سبحان الله! اگر کسی چنین کند مشرک است. گفتیم آیا شما مشغول سبّ پیامبر خدا هستید گفتند ابداً کییکه سبّ پیامبر کند کافر است گفتیم پس شما علی! را سبّ میکنید؟ گفتند آری چنین است. گفتیم خدا را شاهد میگیرم شنیدم از رسول خدا که فرمود من سبّ علیاً فقد سبّنی ومن سبّنی فقد سبّ الله عزوجل (بحار ج ۳۹ ص ۳۱۱) در تاریخ مشهور است که علی فرمود در حالت إکراه برای رهایی خودتان مرا سبّ کنید ولی ازمین تبریّ نجوئید معلوم است که منظور حضرت این بوده است که قلباً ازمین تبریّ نجوئید و طبق حدیث معتبر از امام صادق (ع) اینکه إجباری نیست بر سرپیچی از تبریّ و اینکه شهادت بپذیرد فرمود والله ما ذلک علیه وما له إلا ما مضی علیه عمار بن یاسر حیث أکرهه أهل مکّه و قلبه مطمئن بالإیمان فانزل الله عزوجل فیهِ «إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ» فقال له النَّبِيُّ عَندَهَا يَا عَمَّارُ إِنَّ عَادُوا لَكَ فَقَدْ تَرَى اللَّهَ عَذْرَكَ وَ أَمْرَكَ أَنْ تَعُوذَ إِنَّ عَادُوا يَعْنِي بِخَدَا سَوَّكُنْدَ ائِنْعَمَلُ وَاجِبٌ نِيسْت بلکه برای اوست آنچه که ای عمار یاسر بوده است که او بر تبریّ از اسلام مجبور شد و...

در روایت مرحومین آمده است: سَتَدْعُونَ إِلَى سَبِّی فَسَبُّونِی وَ تَدْعُونَ إِلَى الْبِرَانِهِ مَنِّی فَمَدُّوا الرُّقَابَ (گردن بکشید) فَإِنِّی عَلِی الْفَتْر (زیرا من برفتت پاک آفریده شدم)؛ تبریّ علی الظاهر جائز نیست و منظور تبریّ قلبی است.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از ابی مریم انصاری از امام باقر (ع) نقل می کند که... «فَإِنِّی عَلِی دِینِ مُحَمَّدٍ ص» و لم یقل «فَلا تَبْرُوا مِنِّی» کلمه ازمین تبریّ نجوئید در خطبه علی (ع) نیامده است. خوب است عین خطبه نهج را نقل کنیم: من کلامه له (ع) «...أَمَّا أَنَّهُ سَيُظْهَرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحِبَ الْبُلْعُومِ مَنْدَحِقُ الْبَطْنِ، يَأْكُلُ مَا يَجِدُ وَ يَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ فَاقْتُلُوهُ وَ لَا تَقْتُلُوا!! أَلَا وَ إِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ بِسَبِّی وَ الْبِرَانِهِ مِنِّی، فَأَمَّا السَّبُّ فَسَبُّونِی فَإِنَّهُ لِي زَكَهٌ وَ لَكُمْ نَجَاهٌ؛ وَ أَمَّا الْبِرَانِهِ فَلَا تَبْرُوا مِنِّی فَإِنِّی وَ لَدْتُ عَلِی الْفَطْرَةِ وَ سَبَقْتُ إِلَى الْإِيْمَانِ وَ الْهَجْرَةِ يَعْنِي آگَاهَ بَاشِيدَ بَزُودِي بَعْدَ اَزْمَنِ مَرْد (معاویه) گناه دلو و شکم برآمده که آنچه بیاید می خورد و آنچه نباشد طلب می کند ظهور خواهد کرد پس او را بکشید ولی هرگز نخواهید کشت؛ آگاه باشید او شما را امر می کند به سبّ و برائه از من، شما مراسم سبّ کنید زیرا برای من اجر و پاداش است و برای شما نجات از کشته شدن است...